

بررسی رابطه سبک‌های عشق‌ورزی و سبک‌های دل‌بستگی با سازگاری زناشویی زنان متأهل شاغل در آموزش و پرورش شهر تهران

مژگان فریدون نژاد^{۱*}، ستایش عین‌علی^۲

۱- دکترای تخصصی روان‌شناسی تربیتی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، ایران. (نویسنده مسئول)

dr.m_fereydonezhad@yahoo.com

۲- کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، ایران.

Setayeshainali758@gmail.com

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۳/۳/۱۶]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۳/۲/۲۶]

چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطه سبک‌های عشق‌ورزی و سبک‌های دل‌بستگی با سازگاری زناشویی زنان متأهل شاغل در آموزش و پرورش شهر تهران بود. روش این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش را کلیه زنان متأهل که در آموزش و پرورش شهر تهران در سال ۱۴۰۳ مشغول به کار می‌باشند را تشکیل دادند. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی در دسترس بود. افراد نمونه پرسشنامه‌های نگرش به عشق (سبک‌های عشق‌ورزی) (هندریک و هندریک، ۱۹۸۶)، پرسشنامه دل‌بستگی کولینز و رید (۱۹۹۰) و پرسشنامه سازگاری (اسپانیر، ۱۹۷۶) را تکمیل نمودند. برای بررسی ارتباط بین متغیرهای پژوهش از روش همبستگی پیرسون و به منظور بررسی چگونگی این ارتباط از روش رگرسیون چند متغیره در آخرین ورژن نرم‌افزاری SPSS-28 تحلیل شد. نتایج نشان داد که بین سبک‌های دل‌بستگی با سازگاری زناشویی و همچنین بین سبک‌های عشق‌ورزی با سازگاری زناشویی زنان متأهل شاغل در آموزش و پرورش شهر تهران همبستگی معناداری وجود دارد. طبق یافته‌های پژوهش، بین سبک‌های عشق‌ورزی اروس، استروگ، پراگما، آگاه با سازگاری زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و بین سبک‌های عشق‌ورزی لودوس و مانیا با سازگاری زناشویی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. با توجه به سطح معناداری، سبک‌های عشق‌ورزی اروس با ضریب تأثیر (۰/۲۸۴)، لودوس با ضریب تأثیر (-۰/۱۴)، استروگ با ضریب تأثیر (۰/۲۹)، پراگما با ضریب تأثیر (۰/۱۲)، مانیا با ضریب تأثیر (-۰/۱۴) و سبک دل‌بستگی ایمن با ضریب تأثیر (۰/۰۹) می‌توانند سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کنند، ولی سبک عشق‌ورزی آگاه و سبک‌های دل‌بستگی اجتنابی و اضطرابی قادر به پیش‌بینی سازگاری زناشویی نمی‌باشند.

واژگان کلیدی: سبک‌های عشق‌ورزی، سبک‌های دل‌بستگی، سازگاری زناشویی.

۱- مقدمه

نظام آموزش و پرورش یکی از اساسی ترین نهادهای جوامع امروزی است (Iacono, Iacono, Keeffe, Kenny & McKinstry, 2019) و به علت ضروری بودن تحولات محیطی و اجتماعی در آن به عنوان یکی از سازمان های پیچیده و حیاتی در هر کشوری محسوب می شود. همچنین این نظام آموزشی دارای پیوندی ناگسستنی با توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. در حقیقت آموزش و پرورش به عنوان یکی از کلیدی ترین نهادها در هر کشور جایگاه ویژه ای دارد و به واسطه ی موقعیتی که در جامعه دارد (Chawla & Saxena, 2019) و فعالیت های گسترده ای که انجام می دهد، به صورت مستمر در معرض قضاوت افکار عمومی قرار می گیرد (Lochner, 2020; Fernandes et al, 2018). در قرن حاضر تغییر و تحولات عمیقی در حیات جوامع به وجود آمده که اساس و پایه نهادهای پیچیده و گسترده مثل آموزش و پرورش را تحت تأثیر قرار داده است. نیمی از این تغییر و تحول عمیق نیز مربوط به زنان است. همان طور که می دانید قشر زنان نیمی از جمعیت دنیا را تشکیل می دهند و همچنین بخش عمده ای از مشاغل رسمی و غیررسمی را به عهده دارند (سیدان و حسامی، ۱۳۹۹). یکی از چشمگیرترین تحولات این قشر، تغییر نقش و پایگاه اجتماعی آن ها در جامعه است. در واقع روزبه روز گرایش زنان به اشتغال در بیرون از منزل افزایش می یابد و این امر باعث تغییرات بنیادی در زمینه ساختار شغلی جامعه و نظام خانواده و سطوح کیفیت زندگی آن ها می شود (افتخار، بانو و باری، ۱۴۰۲). از طرفی رو آوردن زنان به اشتغال در خارج از کانون خانوادگی تأثیری بسزا در ابعاد رضایت زناشویی آنان داشته و این امر به نوبه خود، موجب افزایش سبک های عشق ورزی جامعه زنان شده است (Teng, Kuo, TW & Zhou, 2018). در نتیجه اشتغال زنان روی سبک های عشق ورزی، نوع ارتباطات، احساسات و روابط آن ها و نیز نقش های خانوادگی و تحول خانواده تأثیر عمیقی برجای گذاشته است (داوودی و شمسی، ۱۳۹۷). از منظر کاستانزا^۱ (۲۰۰۷) سبک های عشق ورزی را می توان به عنوان میزان تأمین نیازهای مورد نیاز انسان در ارتباط با ادراک مردم از رفاه ذهنی تعریف کرد (Chen & Gong, 2023).

بنابراین سبک های عشق ورزی می تواند در سطح زندگی فردی و اجتماعی و در ابعاد مختلف این سطوح و حتی در مهم ترین تصمیمات افراد نقش چشمگیری داشته باشد؛ یعنی می تواند فرد را به طرف شخصی دیگر ترغیب کند تا حدی که او را به عنوان همسر خود انتخاب کند، یا برعکس می تواند باعث قطع رابطه، جدایی و بروز پدیده ای به نام طلاق شود. در نتیجه عشق می تواند به شکل یک شکست مثل شکست عاطفی بروز نماید. در نظر داشته باشید شکست عاطفی یا عشقی همان مجموعه علائمی است که پس از پایان یافتن یک رابطه عاطفی در افراد به وجود آید و عملکرد فرد در حوزه های مختلف همچون تحصیلی، اجتماعی و شغلی را تحت تأثیر منفی قرار می دهد (بابایی فرد و طهماسبی نادری چگنی، ۱۴۰۰).

برخی از نتایج بالینی، اجتماعی، فرهنگی و علمی بالقوه، عشق را به منزله یک انگیزه مدنظر قرار می دهند (Burnat, 2019). همچنین تحقیقات انجام شده نشان دهنده شکل گیری شکل های جدیدی از روابط عاشقانه و سبک های عشق ورزی در میان زوجین می باشند (فرجیان، زاهدی مازندرانی و ملکی، ۱۴۰۰). اینس و سیک^۲ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان نقش میانجی پنج زبان عشق بین تمایز خود و رضایت زناشویی دریافتند که چهار مورد از پنج مؤلفه معروف زبان عشق یعنی عبارات تأییدکننده، زمان باکیفیت، تماس بدنی، انجام امور منزل و دریافت هدایا نقش واسطه ای دارند و افراد برای عشق ورزیدن نسبت به همسر خود از سبک و روش خاصی استفاده می کنند. این سبک نیز متأثر از ارتباط متقابل و مداوم بین زن و شوهر و تعبیری از محیط زندگی آن ها است. همچنین ثبات رابطه عشقی از عوامل درون فردی و بین فردی متعددی نشئت می گیرد (Cherry, Cherry, Fletcher & Osullivan, 2023). در این میان یکی از عوامل درون فردی مؤثر بر بی ثباتی عشق، سبک دلبستگی^۳ است (مصطفائی و پیوسته گر، ۱۴۰۲).

1 Costanza

2 İnce & Işık

3 Attachment Style

دل‌بستگی در بزرگ‌سالی به شکل مشابه سیستم دوره کودکی عمل می‌کند (Kimmes & Durtschi, 2016). به‌طور کلی اصطلاح سبک‌های دل‌بستگی بزرگ‌سالان به مجموعه‌ای از اطلاعات، انتظارات و نایم‌نی‌های افراد در ارتباط با خود و دیگران اشاره دارد (مرتضوی‌زاده، ۱۴۰۱). مختل شدن حس ایمنی در دل‌بستگی به سبک دل‌بستگی دوسوگرا / اضطرابی (اشتیاق به صمیمیت و ترس از طرد و رها شدن توسط همسر) و دل‌بستگی اجتنابی (باورهای مبتنی بر بی‌اعتمادی و عدم وابستگی به همسر) منجر می‌شود که زنگ خطری برای مشکلات هیجانی در روابط زناشویی است (Maalouf, 2022)؛ بنابراین سبک دل‌بستگی عامل مهمی برای شناخت نحوه حل تعارض زوجین و یا چگونگی تحمل شرایط نامطلوب در روابط زناشویی است که خود می‌تواند سازگاری زناشویی و سلامت رابطه را تحت تأثیر قرار دهد (Crowley, 2023).

اسپانر^۱ (۱۹۷۶) اعتقاد داشت سازگاری زناشویی، نحوه حل تعارضات زوجین با یکدیگر است و عوامل مؤثر در تعیین میزان سازگاری زناشویی شامل مواردی مثل رضایت زناشویی^۲، انسجام^۳، توافق^۴ و محبت^۵ می‌باشند. به همین دلیل پیش‌بینی می‌شود زوج‌هایی که به‌خوبی سازگار شده‌اند، ازدواج‌های طولانی مدت و پایداری داشته باشند؛ درحالی‌که انتظار می‌رود همسران دارای سازگاری کمتر، بی‌ثباتی در رابطه را تجربه کنند یا ازدواج آن‌ها در نهایت به جدایی و طلاق ختم شود. در واقع مشکل ناسازگاری زناشویی بیش از هر مقوله دیگر سبب اختلافات بین فردی زوجین می‌شود؛ به‌طوری‌که بررسی پژوهش‌هایی چون مطالعات اسف و الن^۶ (۲۰۲۳) و بشارت قراملکی و حسینی‌ناب (۱۴۰۱) نشان داد عدم وجود سازگاری زناشویی هشدار مهمی برای احتمال بروز دل‌زدگی زناشویی^۷ و خیانت^۸ و طلاق است (آذروش، آرموده، رضایی و محب، ۱۴۰۲). در حقیقت سازگاری زناشویی به‌عنوان یک فرآیند تکاملی در ارتباط میان زن و شوهر است و به حالتی از تطابق در جنبه‌های گوناگون زوجین که امکان دارد در آن‌ها تعارضی موجود باشد، اطلاق می‌شود (متجیبیان و دهنای، ۱۴۰۰)؛ بنابراین سازگاری زناشویی عبارت است از میزان نزدیکی به همسر، فعالیت‌های لذت‌بخش مشترک، روابط جنسی رضایت‌بخش و نزدیک، اشتراک ارزش‌ها و افکار بدون اجبار (صفا کرمانشاهی و حیاتی، ۱۴۰۱). پژوهش‌ها نشان می‌دهد تنش ناشی از ناسازگاری زناشویی در چارچوب روابط بین زوجین باقی نمی‌ماند و دیگر روابط درون خانوادگی به‌خصوص روابط فرزندان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (Adare, Zhang & Wang, 2021).

متأسفانه به دلیل وجود باورهای اشتباه در بین افراد و عدم پذیرش تفاوت‌ها میان زن و مرد در عصر کنونی ناسازگاری و اختلافات بین زوج‌ها با سرعت بیشتری اتفاق می‌افتد. گویی اکثر افراد به‌غلط تصور می‌کنند که احساس عاشقانه آن‌ها برای همیشه باقی خواهد ماند یا عشق قوی و آتشین مهم‌ترین و تنها عامل استواری و تداوم رابطه است. در صورتی‌که باید در نظر داشت هر چه افراد توانایی بیشتری در ساخت و هدایت رابطه و برطرف کردن ناسازگاری‌ها داشته باشند پایداری و کیفیت رابطه آن‌ها افزایش می‌یابد. نکته بسیار پراهمیت دیگر این مورد است که رابطه زناشویی به‌خودی‌خود در طول زمان نمی‌تواند شور و حال روزهای اول را داشته باشد و نیاز است نقش عوامل مؤثر و تأثیرگذار در یک رابطه زناشویی مثل نقش سبک‌های دل‌بستگی و سبک‌های عشق‌ورزی در سازگاری زناشویی و کیفیت روابط زوجین شناسایی شود و مورد توجه قرار گیرد. از طرفی با توجه اینکه شاغل بودن در آموزش و پرورش، از جمله شغل‌های پرتنش بوده و فشار ناشی از آن تأثیرات منفی و مخربی را بر رضایت زناشویی زنان متأهل شاغل در آموزش و پرورش سبب می‌گردد و از آنجاکه از یک‌سو وجود سازگاری زناشویی در استحکام و انسجام بنیاد خانواده بسیار مؤثر است و از سوی دیگر فقدان آن منجر به ناکارآمدی خانواده، کاهش سلامت روانی اعضای خانواده، افت تحصیلی فرزندان و جدایی و طلاق در زوجین می‌شود، انجام مطالعه‌ی حاضر به جهت شناسایی

1 Spanier

2 Dyadic Satisfaction

3 Dyadic Cohesion

4 Dyadic Consensus

5 Affectional Expression

6 Asfaw & Alene

7 Marital heartbreak

8 Infidelity

عوامل مرتبط با سازگاری زناشویی در زنان متأهل شاغل در آموزش و پرورش ضرورت می‌یابد. همچنین، مطالعات محدودی در زمینه‌ی بررسی رابطه سبک‌های عشق‌ورزی و سبک‌های دل‌بستگی با سازگاری زناشویی زنان متأهل شاغل در آموزش و پرورش شهر تهران انجام شده است که این اهمیت انجام پژوهش را دوچندان می‌سازد و نتایج آن می‌تواند در افزایش دانش مربوط به مشاوره خانواده و گسترش ادبیات مربوط به ازدواج و خانواده سودمند باشد؛ بنابراین به دلیل کمبود پژوهش درباره ارائه رابطه با متغیرهای مذکور در کشور، پژوهش حاضر باهدف بررسی رابطه سبک‌های عشق‌ورزی و سبک‌های دل‌بستگی با سازگاری زناشویی زنان متأهل شاغل در آموزش و پرورش شهر تهران انجام گرفت. از این‌رو از نتایج این پژوهش می‌توان در کمک به مراکز مشاوره قبل از ازدواج جهت انتخاب صحیح همسر و غنی‌سازی ارتباطات زوجین در مراکز درمانی مشاوره‌ای و سازمان بهزیستی و کمک به فهم و یادگیری چگونگی بررسی رابطه سبک‌های عشق‌ورزی و سبک‌های دل‌بستگی با سازگاری زناشویی زنان متأهل شاغل استفاده کرد و همچنین از نتایج این تحقیق به‌عنوان عاملی برای پیشگیری از به وجود آمدن ناسازگاری‌های زوجین بهره برد.

۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

اصفهان، حیدری و داوودی (۱۴۰۲) پژوهشی تحت عنوان مدل ساختاری پیش‌بینی‌کننده علاقه اجتماعی بر اساس روابط بین‌فردی و رضایت از رابطه زناشویی با نقش میانجی عشق در زنان را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد روابط بین‌فردی بر علاقه اجتماعی در زوجین تأثیر مستقیم دارد. رضایت از رابطه زناشویی بر علاقه اجتماعی در زوجین تأثیر مستقیم دارد. روابط بین‌فردی بر علاقه اجتماعی در زوجین با نقش میانجی عشق تأثیر غیرمستقیم دارد. رضایت از رابطه زناشویی بر علاقه اجتماعی در زوجین با نقش میانجی عشق تأثیر غیرمستقیم دارد. لذا توجه به متغیرهای مذکور در پیشگیری و طراحی درمان‌های مناسب‌تر به پژوهشگران و درمانگران یاری می‌رساند. رحیمان، قمری، باباخانی و جعفری (۱۴۰۲) پژوهشی تحت عنوان مدل یابی رابطه ساختاری ابعاد شخصیت و سبک‌های دل‌بستگی با مهارت‌های ارتباطی و تعارض‌های زناشویی با میانجی‌گری طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در زوجین در معرض طلاق را انجام دادند. نتایج نشان داد که ابعاد شخصیت بر تعارض‌های زناشویی در بین زوجین دارای اختلاف زیاد و سبک‌های دل‌بستگی بر تعارض زناشویی با توجه به سطح معناداری ($P=0/05$) نقش میانجی دارد. همچنین، طرح‌واره ناسازگارانه در رابطه با ابعاد شخصیت و مهارت‌های ارتباطی با سطح معناداری ($P<0/05$) نقش میانجی دارد و دیگر اینکه طرح‌واره ناسازگارانه در رابطه با ابعاد شخصیت و تعارض‌های زناشویی با سطح معناداری ($P<0/05$) نقش میانجی دارد. با توجه به اینکه طرح‌واره ناسازگارانه اولیه می‌تواند نقش میانجی را در رابطه زوجین در معرض طلاق ایفاء نماید، یکی از عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری شخصیت و سبک‌های دل‌بستگی و تعارضات زناشویی است. زنگی دارستانی و خوشبویی (۱۴۰۲) تحقیقی تحت عنوان پیش‌بینی دل‌زدگی زناشویی بر اساس رضایت جنسی، سازگاری زناشویی و رضایت از زندگی زوجین را مورد ارزیابی قراردادند. یافته‌ها نشان داد که بین رضایت جنسی با دل‌زدگی زناشویی زوجین رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد. بین سازگاری زناشویی با دل‌زدگی زناشویی زوجین رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد. بین رضایت از زندگی با دل‌زدگی زناشویی زوجین رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد. متغیر رضایت جنسی، متغیر سازگاری زناشویی و متغیر رضایت از زندگی می‌توانند به‌طور منفی و معنی‌داری دل‌زدگی زناشویی زوجین را پیش‌بینی کنند. با توجه به میانگین دو گروه، زنان و مردان از لحاظ دل‌زدگی زناشویی در شرایط تقریباً یکسانی قرار دارند. علی‌زاده (۱۴۰۲) پژوهشی تحت عنوان بررسی رضایت زناشویی و سازگاری با ازدواج در زنان شاغل و غیر شاغل شهرستان ملکشاهی را انجام داد. نتایج حاکی از این بود که بین رضایت زناشویی و سازگاری با ازدواج در زنان شاغل و خانه‌دار شهرستان ملکشاهی تفاوت معناداری وجود دارد و سازگاری با ازدواج و رضایت زناشویی در زنان خانه‌دار اغلب بیشتر از زنان شاغل بوده است. کریمی سفیددشتی و غضنفری (۱۴۰۲) پژوهشی تحت عنوان مدل یابی صمیمیت زناشویی بر اساس سبک‌های دل‌بستگی و سبک‌های عشق‌ورزی با میانجی‌گری جهت‌گیری زندگی زوجین شهر اصفهان انجام دادند. نتایج نشان داد که مدل پس از اصلاحات لازم از برازش

مناسب در نمونه برخوردار بود. قبل از طرح مدل معادله ساختاری، همبستگی بین متغیرهای پژوهش بررسی شد که نتایج پژوهش حاکی از آن است که مدل صمیمیت زناشویی بر اساس سبک دل‌بستگی و سبک‌های عشق‌ورزی با نقش میانجی‌گری جهت‌گیری زندگی زوجین شهر اصفهان برازش دارد. نتایج نشان داد تمامی شاخص‌های برازش برای مدل اساسی پژوهش در دامنه خوب تا عالی قرار دارد؛ این نتایج بدان معناست که داده‌های تجربی مدل مفهومی پژوهش حاضر را تأیید می‌کنند. با توجه به این نتایج فرضیه اصلی پژوهش تأیید می‌شود.

۱- سبک‌های عشق‌ورزی بر صمیمیت زناشویی زوجین شهر اصفهان تأثیر مستقیم دارد. ۲- صمیمیت زناشویی اثر مستقیم و معناداری بر سبک‌های دل‌بستگی دارد. ۳- سبک‌های دل‌بستگی اثر مستقیم و معناداری بر جهت‌گیری زندگی دارد. ۴- سبک‌های عشق‌ورزی اثر مستقیم و معناداری بر جهت‌گیری زندگی دارد. ۵- صمیمیت زناشویی اثر مستقیم و معناداری بر جهت‌گیری زندگی دارد. منصور (۱۴۰۲) پژوهشی تحت عنوان رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی و رضایت از زندگی زناشویی زوجین در زنان و مردان شهرستان لامرد را انجام داد. در این راستا نتایج نشان داد که: ۱- بین سبک‌های دل‌بستگی در زوج‌ها و رضایتمندی آن‌ها رابطه وجود دارد. ۲- بین دو گروه زنان و مردان از نظر سبک‌های دل‌بستگی تفاوت معنادار وجود دارد. ۳- تفاوت معناداری بین رضایتمندی زناشویی در زنان و مردان وجود دارد.

بلوردی و طالبی (۲۰۲۳) در مطالعه خود دریافتند که از میان فاکتورهای شخصیتی، عامل ثبات عاطفی با سازگاری زناشویی ارتباط منفی و معنی‌داری دارد. به‌گونه‌ای که هر چه زوجین از لحاظ عاطفی واکنش‌پذیر و ناپایدار باشند، سازگاری زناشویی کمتری دارند. ویو^۱ (۲۰۲۱) مطالعه‌ای با عنوان عشق، علاقه و صمیمیت در ازدواج جوانان در ویتنام انجام داد و این سؤالات را مطرح کرد که زنان و مردان ویتنامی در مورد صمیمیت در روابطشان چه انتظاری دارند؟ آن‌ها برای تحقق بخشیدن به خواسته‌های عاطفی خود چه می‌کنند و این امر چگونه بر روابط زناشویی آن‌ها تأثیر می‌گذارد؟ این مقاله بر اساس مصاحبه‌های عمیق با ۳۰ زوج ۳۰ ساله در یک منطقه شهری و یک منطقه روستایی در ویتنام انجام شده است. این مقاله تفاوت بین زن و مرد را در تمایل به عشق و افشای متقابل و دخالت آن‌ها در کارهای عاطفی نشان می‌دهد. احتمالاً عدم تعادل قدرت در روابط جنسیتی وجود دارد، زیرا زنان باید خواسته‌های خود را تنظیم کنند و عدم درگیری همسرانشان را در کارهای عاطفی برطرف کنند. زنان تمایل بیشتری به عشق و صمیمیت نشان می‌دهند و بیشتر درگیر احساسات می‌شوند، اما خواسته‌های آن‌ها همیشه در تمرین روزمره برآورده نمی‌شود زیرا به نظر می‌رسد مردان محافظه‌کار هستند، احساسات و عواطف خود را سرکوب می‌کنند و افکار درونی خود را پنهان می‌کنند. این مسائل احتمالاً بر پایداری زناشویی طولانی‌مدت زوج‌های جوان تأثیر منفی نمی‌گذارد، اما کیفیت ازدواج آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد زیرا باعث نارضایتی و اختلاف نظر می‌شود. در تحقیق سیمپون^۲ (۲۰۲۰) که تحت عنوان اثرات سبک‌های دل‌بستگی بر تفاهم زناشویی صورت گرفت، به اثرات سبک‌های دل‌بستگی ایمن، اضطراب و اجتنابی بر تفاهم زناشویی پرداخته شد. با استفاده از روش تحقیق طولی تعداد ۱۴۴ زن و شوهر مورد بررسی قرار گرفتند. در نهایت مشخص گردید که سبک دل‌بستگی ایمن با احترام، تعهد و تفاهم بیشتری در ارتباط است تا سبک دل‌بستگی اجتنابی یا اضطرابی. در پیگیری که به مدت شش ماه بعد صورت گرفت مشخص گردید که آشفته‌گی‌های هیجانی در افراد با سبک دل‌بستگی ایمن نسبت به آن‌هایی که دارای سبک دل‌بستگی اجتنابی یا اضطرابی می‌باشند کمتر است. اندرو، سینگ و بونگ^۳ (۲۰۱۹) نشان دادند که سبک‌های دل‌بستگی ایمن با سطوح بالاتر رضایت زناشویی همبسته است. در عوض زوج‌های نایمن سطوح پایین‌تر رضایت زناشویی را گزارش دادند.

۳- روش‌شناسی

روش این پژوهش توصیفی از نوع توصیفی-همبستگی بود. همچنین نوع تحقیق کاربردی است، زیرا نتایج در وزارت آموزش و پرورش و به‌خصوص برنامه‌ریزی آموزشی قابل استفاده است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه زنان متأهل شاغل در آموزش و پرورش شهر

1 Vu

2 Simpson

3 Andrus., Singh & Bond

تهران در سال ۱۴۰۳ تشکیل دادند. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی در دسترس بود. به این صورت که برای انتخاب نمونه، ابتدا یکی از مناطق آموزش و پرورش تهران به تصادف انتخاب گردید سپس لینک تمامی پرسشنامه‌های سبک‌های عشق ورزی، سبک‌های دلبستگی و سازگاری زناشویی در بین زنان شاغلی که در آموزش و پرورش آن منطقه شهر تهران مشغول بودند، ارسال گردید تا افراد جامعه مدنظر، به صورت تصادفی پاسخگو باشند و به عنوان نمونه انتخاب شوند. با استناد به آمار دریافت شده از اداره آموزش و پرورش شهر تهران، تعداد کل کارکنان منطقه مدنظر ۱۰۸۶ نفر بود و با توجه به فرمول کوکران تعداد ۲۸۴ نفر و با احتمال ریزش و افت آزمودنی ۵٪، ۳۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. به منظور بررسی ارتباط بین متغیرهای پژوهش از روش همبستگی پیرسون و به منظور بررسی چگونگی این ارتباط از روش رگرسیون چند متغیره در آخرین واژن نرم افزار SPSS-۲۸ استفاده شد.

الف) پرسشنامه نگرش به عشق (سبک‌های عشق ورزی): پرسشنامه نگرش به عشق توسط هندریک^۱ (۱۹۸۶) بر پایه الگوی «لی» طراحی و اعتباریابی شده است. این پرسشنامه شامل ۲۴ گویه بسته پاسخ بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (۱= کاملاً مخالفم تا ۵= کاملاً موافقم) است، پرسشنامه ابعاد اروس، لودوس، استورگ، پراگما، مانیا و آگاپه را مورد سنجش قرار می‌دهد. هندریک و هندریک (۱۹۹۵) ضریب همسانی درونی این مقیاس را بین ۰/۷۵ تا ۰/۸۸ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر پایایی خرده‌مقیاس‌های این آزمون با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که برای خرده‌مقیاس‌های عشق احساساتی ۰/۷؛ عشق بازیگرانه ۰/۶۷؛ عشق دوستانه ۰/۶۲؛ عشق افراطی ۰/۷۵؛ عشق منطقی ۰/۷۶ و عشق ایثارگرانه ۰/۸۷ استفاده شده است. بیات (۱۳۸۶) پایایی پرسشنامه نگرش‌های مربوط به عشق را ۰/۸۹ به دست آورد. در این پژوهش پایایی پرسشنامه ۰/۹۱ به دست آمد. این پرسشنامه در ایران در سال ۱۳۹۲ توسط دکتر مقیمی و رمضان (۱۳۹۰) مورد ترجمه و ویرایش قرار گرفت و اعتبار آن ۰/۷۲ به دست آمد. در مطالعه اردشیری (۱۳۹۳) برای به دست آوردن روایی پرسشنامه از نظرات استاد راهنما و چندین تن از دیگر اساتید و متخصصین و کارشناسان استفاده شده است و از آن‌ها در مورد مربوط بودن سؤالات، واضح بودن و قابل فهم بودن سؤالات و اینکه آیا این سؤالات برای پرسش‌های تحقیقاتی مناسب است و آن‌ها را مورد سنجش قرار می‌دهد، نظرخواهی شد و مورد تأیید قرار گرفت.

ب) پرسشنامه دلبستگی کالینز و رید^۲ (۱۹۹۰): پرسشنامه سبک‌های دلبستگی توسط کولینز و رید (۱۹۹۰) طراحی و اعتباریابی شده است. این پرسشنامه شامل ۱۸ گویه بسته پاسخ بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (۱= کاملاً مخالفم تا ۵= کاملاً موافقم) است، این پرسشنامه ابعاد دلبستگی ایمن، دلبستگی اجتنابی و دلبستگی دو سوگرا/ اضطرابی را مورد سنجش قرار می‌دهد. هزن و شیور^۳ (۱۹۸۷) پایایی بازآزمایی کل این پرسشنامه را ۰/۸۱ و پایایی آلفای کرونباخ را ۰/۷۸ به دست آوردند. کولینز و رید هم پایایی بالایی با آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به دست آوردند. هزن و شیور (۱۹۸۷) روایی صوری و محتوایی را خوب گزارش نمودند و روایی سازه آن در حد بسیار مطلوب گزارش نمودند. پایایی آلفای کرونباخ این ابزار در پژوهش رحیمیان بوکر و همکاران (۱۳۸۵) برای کل آزمون، دوسوگرا، سبک اجتنابی و سبک ایمن به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۷۸، ۰/۸۱ به دست آمد که پایایی مطلوبی را نشان می‌دهد. به علاوه اعتبار محتوایی و صوری آن توسط چند تن از متخصصان روانشناسی (اساتید دانشگاه اصفهان) مورد تأیید قرار گرفت. برای بررسی روایی هم‌زمان این پرسشنامه از برنامه مصاحبه ساختارمند برای دلبستگی بزرگ‌سالی به صورت هم‌زمان استفاده شد. مصاحبه ساختار مین دربردارنده سؤالات از پیش مشخص شده‌ای است که سه سبک دلبستگی بزرگ‌سالی را می‌سنجد و با اجرای هم‌زمان این پرسشنامه دلبستگی بر روی ۱۰۰ پرستار، روایی این دو سنجیده شد و این نوع روایی برای کل آزمون، سبک دوسوگرا، سبک اجتنابی و سبک ایمن به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۷۸، ۰/۸۴- و ۰/۷۹- به دست آمده که روابط مثبت و معنی‌داری را با هم نشان داده‌اند. با توجه به این که مقادیر آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰/۸۰ است آزمون از اعتبار بالایی برخوردار است. از سوی دیگر در پژوهش

1 Hendric

2 Revised Adult Attachment Scale (Collins & Read, 1990)

3 Hazan & Shaver

پاکدامن (۱۳۸۰) میزان اعتبار آزمون با استفاده از آزمودن مجدد به صورت همبستگی بین این دو اجرا مشخص شده است. این پرسشنامه (RAAS) در مورد ۱۰۰ دختر و پسر کلاس دوم دبیرستان که به طور تصادفی انتخاب شده بودند اجرا گردید. نتایج حاصل از دو بار اجرای این پرسشنامه با فاصله زمانی یک ماه از یکدیگر بیانگر آن بود که این آزمون در سطح ۰/۹۵ دارای اعتبار است.

ج) پرسشنامه سازگاری اسپانیر (۱۹۷۶): در این پژوهش از مقیاس سازگاری دو عضوی گراهام اسپانیر (۱۹۷۶)، برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به سازگاری زناشویی استفاده شد. پرسشنامه سازگاری زناشویی گراهام بی اسپانیر (DAS) توسط اسپانیر در سال ۱۹۷۶ در ۳۲ سؤال به منظور سنجش سازگاری بین زن و شوهرها و یا هر دونفری که باهم زندگی می‌کنند تنظیم شده است. این مقیاس چهار بعد رابطه را می‌سنجد. این چهار بعد از این قرارند: رضایت دونفری، همبستگی دو نفری، توافق دو نفری و ابراز محبت. این مقیاس از روایی هم‌زمان نیز برخوردار است و با مقیاس رضایت زناشویی لاک-والاس همبستگی دارد (ثناپی، ۱۳۷۹). در ایران نیز این مقیاس در سال ۱۳۷۴ توسط آموزگار و حسین نژاد هنجاریابی شده است. این مقیاس با روش بازآزمایی و با فاصله‌ی ۱۰ روز روی نمونه‌ای متشکل از ۱۲۰ نفر از زوج‌ها (۶۰ مرد و ۶۰ زن) اجرا گردید و برای میزان همبستگی از روش گشتاوری پیرسون استفاده شد. ضریب همبستگی بین نمرات زوج‌ها طی دو بار اجرا در کل نمرات ۰/۸۶، مقیاس رضایت زناشویی ۰/۶۸، مقیاس همبستگی دونفری ۰/۷۵، مقیاس توافق دونفری ۰/۷۱ و مقیاس ابراز محبت ۰/۶۱ به دست آمده است. نمره‌ی کل مقیاس با آلفای کرانباخ ۰/۹۶ از همسانی درونی خوبی برخوردار است. همسانی درونی خرده مقیاس‌ها بین خوب تا عالی است. رضایت دونفری ۰/۹۴، همبستگی دو نفری ۰/۸۱، توافق دو نفری ۰/۹۰ و ابراز محبت ۰/۷۳ (ثناپی، ۱۳۷۹). در این پژوهش نیز از طریق آلفای کرانباخ پایایی این مقیاس ۰/۹۴ به دست آمد.

۴- یافته‌ها

طبق جدول شماره ۱. بیشترین سن پرسش‌شوندگان از بین ۳۰۰ نفر مربوط به گروه سنی بالای ۵۰ سال (۳۴ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به افراد بین ۳۱ تا ۴۰ سال بوده است (۱۹ درصد).

جدول ۱. فراوانی سن پرسش‌شوندگان

سن	فراوانی	درصد
۲۰ تا ۳۰ سال	۶۹	۲۳٪
۳۱ تا ۴۰ سال	۵۷	۱۹٪
۴۱ تا ۵۰ سال	۷۲	۲۴٪
بالای ۵۰ سال	۱۰۲	۳۴٪
جمع کل	۳۰۰	۱۰۰

جدول ۲. فراوانی میزان تحصیلات پرسش‌شوندگان

تحصیلات	فراوانی	درصد
کاردانی	۴۱	۱۳/۷٪
کارشناسی	۱۱۶	۳۸/۷٪
کارشناسی ارشد	۱۱۹	۳۹/۷٪
دکتری	۲۴	۸٪
جمع کل	۳۰۰	۱۰۰/۰۰

همان‌گونه که در جدول ۲. مشاهده می‌شود بیشترین مدرک پرسش‌شوندگان مربوط به مدرک کارشناسی ارشد است که از بین ۳۰۰ نفر از افراد، ۱۱۹ نفر آن‌ها دارای مدرک کارشناسی ارشد با درصد فراوانی ۳۹/۷ درصد می‌باشند و کمترین سطح تحصیل نیز مربوط به افراد دارای مدرک دکتری با درصد فراوانی ۸ است.

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی سبک‌های عشق‌ورزی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	بیشترین	کمترین	کشیدگی	چولگی
اروس	۱۴/۳۶	۳/۱۰	۴	۲۰	-۰/۳۷	۰/۰۲۶
لودوس	۱۴/۰۸	۱/۵۱	۱۱	۱۷	۰/۰۹۶	-۰/۲۶۹
استروگ	۱۳/۴۵	۴/۴۲	۴	۲۰	-۰/۳۶۱	-۰/۶۶۰
پراگما	۱۵/۰۹	۲/۹۹	۴	۲۰	-۰/۴۲۱	۰/۰۳۲
مانیا	۱۱/۳۲	۰/۴۷	۱۱	۱۲	۰/۷۳۸	-۱/۴۶۶
آگاه	۱۱/۳۶	۳/۲۴	۴	۲۰	۰/۲۵۸	-۰/۲۱۳

بر طبق جدول شماره ۳، میانگین و انحراف استاندارد سبک‌های عشق‌ورزی حدوداً نزدیک به یکدیگر و بالا می‌باشند، با توجه به میزان چولگی و کشیدگی متغیرها می‌توان بیان کرد که داده‌ها دارای منحنی نرمال می‌باشند که تقریباً میزان چولگی و کشیدگی نزدیک به هم می‌باشند.

جدول ۴. شاخص‌های توصیفی سبک‌های دل‌بستگی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	بیشترین	کمترین	کشیدگی	چولگی
دل‌بستگی ایمن	۱۸/۶۳	۳/۲۴	۱۰	۲۹	۰/۰۰۹	-۰/۱۰۷
دل‌بستگی اجتنابی	۱۶/۷۳	۱/۰۴	۱۶	۲۰	۱/۵۰	۱/۶۹
دل‌بستگی دوسوگرا/اضطراری	۱۶/۴۴	۰/۴۹	۱۶	۱۷	۰/۲۱۷	-۱/۹۶

طبق جدول شماره ۴، میانگین و انحراف استاندارد سبک‌های دل‌بستگی حدوداً نزدیک به یکدیگر و بالا می‌باشند، با توجه به میزان چولگی و کشیدگی متغیرها می‌توان بیان کرد که داده‌ها دارای منحنی نرمال می‌باشند که تقریباً میزان چولگی و کشیدگی نزدیک به هم می‌باشند.

جدول ۵. شاخص‌های توصیفی سازگاری زناشویی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	بیشترین	کمترین	کشیدگی	چولگی
رضایت زناشویی	۲۶/۱۵	۴/۷۶	۱۳	۴۶	۰/۳۳	۱/۱۴
همبستگی دو نفری	۱۱/۸۳	۲/۹۰	۴	۱۷	-۰/۳۵	-۰/۳۳
توافق دو نفری	۵۲/۰۱	۹/۱۶	۲۱	۷۱	-۰/۸۶	۰/۷۸
ابراز محبت	۱۸/۰۵	۲/۲۴	۱۰	۲۵	-۰/۲۳	۱/۱۳
سازگاری زناشویی	۱۰۷/۷۹	۱۵/۱۷	۵۹	۱۵۱	-۰/۵۹	۰/۸۷

بر طبق جدول شماره ۵. میانگین و انحراف استاندارد نزدیک به یکدیگر و بالا می‌باشند، با توجه به میزان چولگی و کشیدگی متغیرها می‌توان بیان کرد که داده‌ها دارای منحنی نرمال می‌باشند که تقریباً میزان چولگی و کشیدگی نزدیک به هم می‌باشند.

جدول ۶. آزمون کلموگروف-اسمیرنوف

متغیر	K-S	Sig
اروس	۰/۸۷	۰/۴۲
لودوس	۱/۲۴	۰/۳۵
استروگ	۱/۳۲	۰/۵۲
پراگما	۱/۰۵۳	۰/۴۵
مانیا	۱/۵۲	۰/۲۳
آگاه‌په	۱/۶۱	۰/۲۱
دل‌بستگی ایمن	۱/۲۸	۰/۵۲
دل‌بستگی اجتنابی	۱/۱۱	۰/۶۲
دل‌بستگی دو سوگرا/اضطرابی	۰/۹۹	۰/۳۶
رضایت زناشویی	۱/۶۵	۰/۱۹
همبستگی دو نفری	۰/۹۹	۰/۲۸
توافق دونفری	۰/۹۹	۰/۳۲
ابراز محبت	۱/۵۷	۰/۴۲
سازگاری زناشویی	۱/۶۴	۰/۵۲

از جمله پیش‌شرط‌های به‌کارگیری تحلیل داده‌ها آن است که داده‌های آماری دارای توزیع نرمال باشند. برای آزمون نرمال بودن از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف استفاده می‌شود که یک نوع آزمون ناپارامتریک است. در صورتی که مقدار آماره ارائه شده توسط این آزمون بیشتر از ۵٪ باشد، فرض صفر آماری مبنی بر نرمال بودن توزیع متغیر مورد بررسی با اطمینان ۹۵٪ پذیرفته می‌شود. مقدار آماره K-S در جدول ۶ برای متغیرها گزارش شده است. در این آزمون مقدار $p > 0/05$ است، در نتیجه می‌توان گفت داده‌ها با اطمینان بالایی نرمال می‌باشند.

جدول ۷. تحلیل واریانس نمرات سازگاری زناشویی بر متغیر پیش‌بین

مدل	شاخص آماری	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری (P)
مدل ۱	رگرسیون	۳۰۶۰۳/۷۱	۹	۳۴۰۰/۴۱۲		
	باقیمانده	۳۶۶۹۳/۴۳	۲۷۹	۱۳۱/۵۱۸	۲۵/۸۵۵	۰/۰۰۰
	مجموع	۶۷۲۹۷/۱۴	۲۸۸			

۴-۱- متغیر پیش‌بین: سبک‌های عشق‌ورزی و سبک‌های دل‌بستگی

علاوه بر این جدول در جدول ۷ مقدار ANOVA گزارش شده که آن مقدار اعتبار آماری مدل را ارزیابی می‌کند. با توجه به اینکه سطح معناداری در این جدول کمتر از سطح معناداری ملاک (۰/۰۰۱) است، می‌توان تأثیر متغیر پیش‌بین در متغیر ملاک را از لحاظ آماری پذیرفت. حال از آنجاکه مقدار ضریب رگرسیون معنادار است می‌توان به‌وسیله جدول ضرایب رگرسیون استاندارد شده و استاندارد نشده میزان اهمیت و معناداری متغیر پیش‌بین در تعیین متغیر ملاک را مشخص نمود.

جدول ۸. ضرایب رگرسیون استاندارد شده و استاندارد نشده در پیش‌بینی سازگاری زناشویی از روی سبک‌های عشق‌ورزی و سبک‌های دلبستگی

متغیر	ضرایب استاندارد نشده		T	ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده		متغیر
	B	خطای استاندارد			Beta	تلورانس	
(Constant)	۸۹/۰۹	۳۰/۰۴	۲/۹۶	-	-	-	
اروس	۱/۳۹	۰/۳۷	۵/۱۳	۰/۲۸۴	۰/۶۴	۱/۵۵	
لودوس	-۱/۴۰	۰/۵۴	-۲/۵۸	-۰/۱۴	۰/۶۶	۱/۵۱	
استروگ	۱/۰۰۴	۰/۱۸	۵/۳۴	۰/۲۹	۰/۶۵	۱/۵۲	
پراگما	۰/۶۵	۰/۲۳	۲/۷۸	۰/۱۲	۰/۹۳	۱/۰۶	
مانیا	-۴/۸۱	۱/۶۹	-۲/۸۴	-۰/۱۴	۰/۷۲	۱/۳۷	
آگاپه	۰/۱۱	۰/۲۲	۰/۴۹	۰/۰۲	۰/۹۰	۱/۱۱	
دلبستگی ایمن	۰/۴۵	۰/۲۱	۲/۱۵	۰/۰۹	۰/۹۴	۱/۰۵	
دلبستگی اجتنابی	۰/۸۰	۰/۷۲	۱/۱۰	۰/۰۵۵	۰/۷۹	۱/۲۶	
دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی	۱/۵۹	۱/۵۳	۱/۰۴	۰/۰۵۲	۰/۷۸	۱/۲۸	

بر اساس جدول ۸؛ و با توجه به سطح معناداری، سبک‌های عشق‌ورزی اروس با ضریب تأثیر (۰/۲۸۴)، لودوس با ضریب تأثیر (-۰/۱۴)، استروگ با ضریب تأثیر (۰/۲۹)، پراگما با ضریب تأثیر (۰/۱۲)، مانیا با ضریب تأثیر (-۰/۱۴) و سبک دلبستگی ایمن با ضریب تأثیر (۰/۰۹) می‌توانند سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کنند، ولی سبک عشق‌ورزی آگاپه و سبک‌های دلبستگی اجتنابی و اضطرابی قادر به پیش‌بینی سازگاری زناشویی نمی‌باشند. می‌توان گفت افزایش به اندازه یک انحراف معیار در سبک عشق‌ورزی اروس موجب افزایش ۰/۲۸۷ انحراف معیار تغییر در میزان نمرات سازگاری زناشویی زنان متأهل شود، افزایش به اندازه یک انحراف معیار در سبک عشق‌ورزی لودوس موجب کاهش ۰/۱۴ انحراف معیار تغییر در میزان نمرات سازگاری زناشویی زنان متأهل شود، افزایش به اندازه یک انحراف معیار در سبک عشق‌ورزی استروگ موجب افزایش ۰/۲۹ انحراف معیار تغییر در میزان نمرات سازگاری زناشویی زنان متأهل شود، افزایش به اندازه یک انحراف معیار در سبک عشق‌ورزی مانیا موجب کاهش ۰/۱۴ انحراف معیار تغییر در میزان نمرات سازگاری زناشویی زنان متأهل شود، افزایش به اندازه یک انحراف معیار در سبک دلبستگی ایمن موجب افزایش ۰/۰۹ انحراف معیار تغییر در میزان نمرات سازگاری زناشویی زنان متأهل شود، مقادیر VIF در تمامی مسیر و متغیرها دارای تورم واریانس نبوده و همچنین ضریب تحمل بالا دارند، در نتیجه، مقدار ضریب تحمل بالا و تورم واریانس پایین، نشان‌دهنده عدم هم خطی بودن و مناسب بودن مدل رگرسیون است. (VIF<5).

۵- بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد که سبک‌های عشق‌ورزی اروس، لودوس، استروگ، پراگما، مانیا و سبک دل‌بستگی ایمن می‌توانند سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کنند، ولی سبک عشق‌ورزی آگاپه و سبک‌های دل‌بستگی اجتنابی و اضطرابی قادر به پیش‌بینی سازگاری زناشویی نمی‌باشند. در پژوهش حفاظی طرقله، میترا، فیروزآبادی و حق‌شناس (۱۳۸۵) یافته‌ها بیانگر وجود رابطه‌ای مثبت و معنادار بین هر سه مؤلفه عشق و سازگاری زناشویی بود که با نتایج پژوهش حاضر همسو بود، با این تفاوت که در پژوهش حاضر متغیر میل (شور و شوق) پیش‌بین معناداری برای سازگاری زناشویی نبود. همچنین با یافته‌های پژوهش کامکار و جباریان (۱۳۸۵)؛ منصور و مظاهری (۱۳۸۵)؛ ولی بیگی و پیوسته (۱۳۸۷)؛ رحیمی و بنگانی (۱۳۸۷)؛ که از بین عناصر عشق (صمیمیت، میل و تعهد)، صمیمیت بیشترین سهم را در سازگاری زناشویی و تعاملات زوجین ایفا می‌کند، همسو است.

اینکه چرا مؤلفه‌های عشق (صمیمیت، میل و تعهد) با افزایش سازگاری زناشویی همراه هستند، شاید نیاز چندانی به توضیح نداشته باشد. با مرور پیشینه پژوهش می‌توان گفت احساس عشق، هیجانی است که با تحریک شهوانی همراه می‌گردد اما افراد ممکن است پس از وصل جنسی (ارضای میل / هوس) یکدیگر را غیر جذاب ببینند، به همین دلیل برخورداری از عشق اصیل و واقعی در رابطه، مستلزم وجود صمیمیت، تعهد و به‌کارگیری خرد است. به‌طورکلی می‌توان گفت فردی که میزان صمیمیت بالاتری را تجربه می‌کند، قادر است خود را به شیوه‌ای مطلوب‌تر در روابط عرضه کند و نیازهای خود را به شکل مؤثرتری به شریک و همسر خود ابراز کند. زوج‌هایی که صمیمیت بالاتری دارند ممکن است قابلیت بیشتری در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه خود، داشته باشند و در نتیجه سازگاری زناشویی بالاتری را تجربه کنند (Tollerud, Patrick, Patrick, Sells & Giordano, 2007). از سویی دیگر وجود تعهد در رابطه، باعث شکل‌گیری اعتماد و اطمینان می‌شود. احساس تعهد نسبت به همسر نیز موجبات توجه به خواسته‌های وی، صرف وقت و توجه را فراهم می‌سازد. در خانواده‌های متعهد، اعضا نه‌تنها خود را وقف آسایش و بهزیستی خانواده می‌کنند بلکه در جهت رشد و تعالی یکدیگر نیز می‌کوشند (Harris, 2006). تعهد به زوجین اجازه می‌دهد تا به‌طور مؤثری در برابر خواسته‌های یکدیگر انعطاف داشته باشند (Patterson, 2002).

بعد میل یا هوس (شور و شوق) نیز با ارضای نیازهای عاطفی و جسمانی (جنسی) زوجین در ارتباط بوده و بر سازگاری زناشویی تأثیرگذار است، اما از طرفی محصول صمیمیت بین زوجین بوده و به‌صورت مستقل نمی‌تواند پیش‌بین معناداری برای سازگاری زناشویی باشد. همان‌طور که یافته‌های این پژوهش در ارزیابی همبستگی سه مؤلفه صمیمیت، میل و تعهد و رضایت زناشویی با استفاده از روش ضریب همبستگی پیرسون، حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بود، درحالی‌که با استفاده از روش تحلیل رگرسیون چندگانه از میان سه سبک عشق‌ورزی، مؤلفه‌های صمیمیت و تعهد بیشترین سهم را در سازگاری زناشویی داشتند و متغیر میل پیش‌بین معناداری برای سازگاری زناشویی نبود. به نظر می‌رسد اگرچه میل به‌تنهایی با سازگاری زناشویی رابطه دارد ولی در مقایسه با مؤلفه‌های صمیمیت و تعهد که سهم بیشتری را در سازگاری زناشویی ایفا می‌کنند، معنادار به نظر نمی‌رسد. عشق اروس با عزت نفس بالا و خود افشاگری، برونگرایی و سازگاری همراه است (Neto, 2001)، شادی‌آور است و ابراز احساسات شدید و صمیمیت جنسی در خود دارد (امان الهی، اصلانی، تشکر، غوابش و نکویی، ۱۳۹۱). در نتیجه می‌توان انتظار داشت این افراد در زندگی زناشویی همراهی و سازگاری بیشتری داشته باشند. عشق استورگ با صداقت، دوستی و پختگی همراه است. در نتیجه وفاداری و صداقت و رشد تدریجی صمیمیت تعاملات زناشویی از انسجام و همسانی بیشتری برخوردار است و باعث می‌شود تا همسران رضایت و سازگاری بیشتری را از رابطه زناشویی خود گزارش کنند (یوسفی، بشلیده، عیسی‌نژاد، اعتمادی و شیربیگی، ۱۳۹۰). از یافته‌های دیگر این تحقیق رابطه معنادار عشق مانیا یا شهوانی با سازگاری زناشویی است که با یافته‌های پیشین همسو نیست. عشق مانیا آمیزه‌ای از حس مالکیت و عشق و سواسی را نشان می‌دهد. افرادی که عشق را به سبک مانیا تجربه می‌کنند به شدت از طرد شدن می‌ترسند و مشغولیت ذهنی مداومی با معشوق دارند. در تبیین این یافته تحقیق می‌توان گفت که ممکن است این زوج‌ها به دلایل مختلفی چون

اخلاقیات و رسوم فرهنگی، وجود فرزندان و یا عدم شناخت کافی از خود و نیازهای خود با شریک زندگی شان سازگار شده اند ولی لزوماً این سازگاری به معنای رضایت و شادمانی زناشویی نیست و نوعی همزیستی است.

همچنین نتایج نشان داد که بین سبک های دل بستگی با سازگاری زناشویی زنان متأهل شاغل در آموزش و پرورش شهر تهران رابطه وجود دارد. نتایج این یافته ها با یافته های پژوهش کولین و فینی^۱ (۲۰۲۰)، اندروز و همکاران (۲۰۱۹)، کرامر^۲ (۲۰۱۹) همسو است. در تحقیق کولین و فینی (۲۰۲۰) که پیرامون عوامل مؤثر در سبک های دل بستگی صورت گرفته شد به بررسی ارتباط حمایت جویی، روابط بین فردی صمیمی و تفاهم زناشویی پرداخته شد. با استفاده از بررسی ۹۳ زن و شوهر، داده های تجربی به دست آمده و از طریق تحلیل های آماری مشخص شد که سبک دل بستگی ایمن باعث می شود تا تداوم بیشتری در روابط بین فردی ایجاد شود و تفاهم زناشویی به وجود آید و همواره سبک دل بستگی اجتنابی به دنبال حمایت جویی مؤثر نمی رود. به علاوه فرد با سبک دل بستگی مضطرب، بی توجهی را به همسر خویش نشان می دهد. یافته های این تحقیق معرف ارتباط بین سبک دل بستگی و روابط بین فردی صمیمی و تفاهم زناشویی در زوجین مقطع کالج در دانشگاه آمریکا است. اندروز و همکاران (۲۰۱۹) نشان دادند که سبک دل بستگی ایمن با سطوح بالاتر رضایت زناشویی همبسته است. در عوض زوج های نایمن سطوح پایین تر رضایت زناشویی را گزارش دادند. فینی و نالر^۳ (۱۹۹۵) نشان دادند که دل بستگی ایمن با رضایت زناشویی زوجین همبستگی مثبت دارد. کوپر اسمیت به رابطه معناداری میان عواملی از قبیل ثروت خانوادگی، تحصیلات، مکان زندگی، طبقه اجتماعی، شغل پدر و یا حضور دائمی مادر در منزل و عزت نفس دست نیافت. به جای آن او به این نتیجه رسید که کیفیت رابطه میان کودک و بالغ های مهم زندگی او، روی عزت نفس او تأثیر تعیین کننده دارد. در تحقیق کرامر (۲۰۱۹) که در کشور انگلستان صورت گرفت به ارتباط سبک های دل بستگی و تفاهم زناشویی در ۴۰ زن که در دامنه سنی ۴۴-۲۵ سال قرار داشتند، پرداخته شد. یافته های پژوهشی معرف این بود که سبک های دل بستگی با تفاهم زناشویی مرتبط بوده و همواره زنان با سبک دل بستگی ایمن، تفاهم زناشویی بالاتری را نشان می دهند و از مشکلات و مشاجرات زناشویی کمتری نسبت به افراد با سبک دل بستگی نایمن (اجتنابی و دوسوگرا) رنج می کشند.

با توجه به تأثیری که رفتارهای دل بستگی بر روی سازگاری زناشویی داشتند می توان گفت که شاید رفتارهای دل بستگی نقش میانجی در ارتباط بین سبک های دل بستگی و سازگاری زناشویی داشته باشد. البته قابل ذکر است که در رابطه بین دل بستگی اضطرابی و سازگاری زناشویی، همدم طلبی و دسترسی پذیری همسر نقش تعدیل گر داشته است. به عبارت دیگر افرادی که دل بستگی اضطرابی دارند، در صورتی که همسرانشان همدم طلبی و دسترسی پذیری بالاتری داشته باشند، سازگاری زناشویی شان افزایش می یابد. به عبارت دیگر در دسترس بودن و درگیر بودن همسران در رابطه می تواند سازگاری زناشویی را در افراد دل بسته ی اضطرابی افزایش دهد.

بر اساس نتایج به دست آمده به نظر می رسد که هر سه بعد رفتارهای دل بستگی خود و همسر به تنهایی می توانند سازگاری زناشویی را پیش بینی کنند. این یافته هم راستا با نتایج کناپ، ساندرگ، نوک و لرسون^۴ (۲۰۱۵) و ساندرگ^۵ (۲۰۱۷) است که گزارش کردند رفتارهای دل بستگی، به صورت جداگانه ای (از سبک های دل بستگی) توانستند سازگاری زناشویی را پیش بینی کنند.

از نظر رفتارهای دل بستگی، دسترسی به میزان در دسترس بودن یک ارائه دهنده ی دل بستگی، به ویژه در مواقع پریشانی، گفته می شود (بالبی^۶، ۱۹۶۹). پاسخگویی به عنوان توانایی اندازه گیری و تنظیم نیازهای در حال تغییر دیگران تعریف می شود. همدم طلبی این است که کسی توجه دیگری را به خود جلب کند (بالبی، ۱۹۶۹). به عبارت دیگر در دسترس بودن و پاسخگو بودن رفتارهای کلیدی و

1 Collins & Feeney

2 Cramer

3 Feeney & Noller

4 Knapp, Sandberg, Novak & Larson

5 Sandberg et al

6 Bowlby

قابل اندازه‌گیری در ارتباط هستند که نقش مهمی در احساس امنیت، اضطراب یا پریشانی فرد دارند. جوهنسون^۱ (۲۰۰۴) نیز معتقد است زمانی که یکی از زوجین می‌تواند در مواقع پریشانی و نگرانی از همسرش درخواست حمایت، صمیمیت و ارتباط کند و این درخواست او موجب پاسخ متناسب همسرش و ایجاد فضای حمایتی و ارتباط صمیمانه شود، پیوندهایی بین زوجین ایجاد می‌شود. این پیوندها می‌توانند در قالب همدم طلبی بودن توضیح داده شوند که سومین عامل کلیدی در رفتارهای معطوف به دل‌بستگی است. از این رو با وجود دسترسی‌پذیری، پاسخگویی و همدم طلبی در زندگی زناشویی، شریک زندگی می‌تواند به فردی حامی و محافظت‌کننده تبدیل شود و به همسر خود احساس آرامش القا کند که این امر می‌تواند نیازهای روانی، عاطفی و جنسی زوجین را در کانون خانواده برآورده سازد. بر این اساس منطقی به نظر می‌رسد که رفتار دل‌بستگی در روابط زناشویی نقش مؤثری در میزان سازگاری زناشویی داشته باشند.

از طرفی دیگر سبک دل‌بستگی اضطرابی همبستگی معنادار منفی با سازگاری زناشویی داشت که این یافته با یافته‌های مطالعه‌ی عبدی زرین و صانعی طاهری (۲۰۲۰) و هادن، اسمیت و وبستر^۲ (۲۰۱۴) هم‌راستا است که نشان دادند دل‌بستگی اضطرابی می‌تواند سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کند. همچنین با یافته‌های مطالعه‌ی یحیی، خیری، طلیب و سینگ (۲۰۲۱) همخوانی ندارد زیرا آن‌ها نشان دادند که بین سبک‌های دل‌بستگی و سازگاری زناشویی رابطه‌ای وجود ندارد. افرادی که دل‌بستگی اضطرابی دارند معمولاً بیش‌ازحد به شرکای زندگی خود وابسته هستند و زمان و تلاش زیادی را صرف کسب اطمینان همسرانشان می‌کنند تا در رابطه‌ی خود احساس امنیت کنند (Mikulincer & Shaver, 2007). همین احساس ناامنی و وابستگی بیش‌از اندازه خود می‌تواند سبب کاهش سازگاری زناشویی در طرفین رابطه شود.

سبک دل‌بستگی اجتنابی هم همبستگی معنادار منفی با سازگاری زناشویی داشت که این یافته هم با یافته‌ی مطالعه‌ی میرس و لاندربگ^۳ (۲۰۰۲) و حسینی و علوی لنگرودی (۱۳۹۶) همخوانی دارد که نشان دادند سبک دل‌بستگی اجتنابی می‌تواند سازگاری زناشویی را (حتی بهتر از سبک دل‌بستگی اضطرابی) پیش‌بینی کند. افرادی که دل‌بستگی اجتنابی دارند در اعتماد به دیگران و ایجاد دل‌بستگی عمیق به آن‌ها مشکل دارند (Bartholomew & Horowitz, 1991). افراد در این سبک در روابط عاشقانه درجات کمتری از صمیمیت عاطفی دارند و ارزش کمتری برای شریک زندگی خود قائل هستند که همین امر می‌تواند کیفیت زندگی زناشویی و سازگاری آن را کاهش دهد.

همچنین نتایج نشان داد که سبک دل‌بستگی ایمن همبستگی معنادار مثبت با سازگاری زناشویی داشت که با نتایج مطالعات بسیاری از جمله یحیی و همکاران (۲۰۲۱) و عیدی و خانجانی (۱۳۸۵) همخوانی دارد. می‌توان گفت افرادی دل‌بستگی ایمن دارند که در رابطه‌شان سطوح بالاتری از مشارکت و تعامل کلامی مستقیم، خودافشاگری افکار و احساسات و بحث و درک دارند و بیشتر تمایل دارند که به نیازهای شریک زندگی خود گوش دهند و تصمیم بگیرند که چگونه می‌توانند نیازهای هردویشان را برآورده کنند (Shi, 2003)، این امر خود می‌تواند کیفیت رابطه و میزان سازگاری زوجین از رابطه را افزایش دهد. با توجه به نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌شود، برای افزایش سازگاری زناشویی در زوجین، مهارت‌های زندگی و نحوه‌ی عشق‌ورزی به همسر از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی یا مراکز مشاوره به‌صورت فردی و گروهی به زوجین آموزش داده شود تا میزان تعارضات و درگیری‌ها در زندگی مشترکشان کاهش یابد و از روند رو به رشد آمار طلاق در کشور جلوگیری شود. همچنین با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود زوج درمانگران و مشاوران خانواده به نقش آموزشی روابط عاشقانه و تأثیر مثبت اندیشی بر سازگاری زناشویی توجه نمایند، همچنین به انواع عشق توجه نموده تا بتوانند با آموزش‌های لازم در زمینه کاهش ناسازگاری زوجین اقدام نمایند.

1 Johnson

2 Hadden, Smith & Webster

3 Meyers & Landsberger

۶- منابع

- ۱- اردشیری، فهیمه (۱۳۹۳). اثربخشی تحلیل رفتار متقابل بر تعارضات زناشویی. سبک های عشق ورزی. هوش هیجانی و هوش معنوی زوجین. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۲- امان الهی، عباس؛ اصلانی، خالد؛ تشکر، هاجر؛ غوابش، سعاد و نکویی، سمیه (۱۳۹۱). بررسی رابطه سبک های دل بستگی عاشقانه و عشق با رضایت زناشویی. فصلنامه مطالعات زنان، ۱۰(۳۲)، ۸۶-۶۷. doi: 10.22051/jwsp.2012.1419
- ۳- آذروش، لیلا؛ آزموده، معصومه؛ رضایی، اکبر و محب، نعیمه (۱۴۰۲). تعیین اثربخشی مشاوره مبتنی بر واقعیت درمانی بر همدلی و سازگاری زناشویی زنان در معرض طلاق. مجله مطالعات ناتوانی، ۱۳(۱۴۵)، ۹-۱.
- ۴- بابایی فرد، اسداله و طهماسبی نادری چگنی، محمد (۱۴۰۰). تغییر ملاک های عشق: چالش عشق در رویارویی با مدرنیته. مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه شناسی، ۱۴(۴)، ۴۷-۵۸.
- ۵- بیات، مریم (۱۳۸۶). بررسی تأثیر ایماگوتراپی (تصویرسازی ارتباطی) بر سبک های عشق ورزی زوجین شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده دانشگاه اصفهان.
- ۶- پاکدامن، شهلا (۱۳۸۰). بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه طلبی در نوجوانان. پایان نامه دکتری روانشناسی دانشگاه تهران.
- ۸- ثنایی، باقر (۱۳۷۹). مقیاس های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت.
- ۹- حسینی، فخرالسادات و علوی لنگرودی، سیدکاظم (۱۳۹۶). نقش سبک های دلبستگی و رضایت جنسی در رضایت زناشویی با واسطه گری عشق ورزی. جلوه هنر، ۱۵(۳)، ۱۶۵-۱۸۸. doi:10.22051/jwsp.2018.12335.1332
- ۱۰- حفاظی طریقه؛ میتران، فیروزآبادی، علی و حق شناس، حسن (۱۳۸۵). بررسی ارتباط بین اجزای عشق و رضایتمندی زوجی. مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۱۶(۵۴)، ۹۹-۱۰۹.
- ۱۱- داوودی، مرضیه و شمسی، مراد (۱۳۹۷). شناسایی عوامل مؤثر بر توازن بین کار و زندگی در زنان شاغل. نشریه علمی زن و فرهنگ، ۳۸(۱۰)، ۱-۱۸.
- ۱۲- رحیمیان بوگر، اسحاق؛ نوری، ابوالقاسم؛ عریضی، حمیدرضا؛ مولوی، حسین و فروغی مبارکه، احمدرضا (۱۳۸۵). بررسی رابط سبک های دلبستگی بزرگسال با جهت گیری به کار و درگیری با کار در پرستاران بیمارستان های دولتی شهر اصفهان. علوم تربیتی و روانشناسی، ۳(۱)، ۱۰۹-۱۳۴.
- ۱۳- رحیمی، غلامرضا و بنگانی، خدیجه (۱۳۹۶). بررسی رابطه ویژگی های شخصیتی و مؤلفه های عشق با رضایت زناشویی در کارکنان متأهل ادارات دولتی اهواز. تازه ها و پژوهش های مشاوره، ۲۵(۷)، ۲۵-۷.
- ۱۴- سپاه منصور، مژگان و مظاهری، مریم (۱۳۸۵). مقایسه مؤلفه های سبک های عشق بین افراد متأهل دارای رضایت و عدم رضایت زناشویی. چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران، ۲(۱)، ۲۱۷-۲۲۳.
- ۱۵- سیدان، فریبا و حسامی، سعیده (۱۳۹۹). سنجش رابطه تعادل بین نقش های خانوادگی و شغلی و کیفیت زندگی زنان شاغل در آموزش و پرورش شهر سنندج. نشریه انجمن جامعه شناسی آموزش و پرورش ایران، ۴(۱)، ۷۱-۱۰۴. doi: 10.22034/ijes.2016.43677
- ۱۶- عبدی زرین، سهراب و صانعی طاهری، مریم (۱۳۹۹). پیش بینی خوشنودی زناشویی بر پایه الگوهای ارتباطی. سبک های دلبستگی و نستوهی روان شناختی. مشاوره و روان درمانی خانواده، ۱۰(۱)، ۲۰۸-۱۷۹. doi:10.22034/fcp.2020.61742
- ۱۷- عیدی، رقیه و خانجانی، زینب (۱۳۸۵). بررسی رضایت زناشویی در سبک های مختلف دلبستگی. فصلنامه علمی - پژوهشی روان شناسی دانشگاه تبریز، ۱(۲ و ۳)، ۱۲-۴۲.

- ۱۸- فرجیان، مرتضی؛ زاهدی مازندرانی، محمدجواد و ملکی، امیر(۱۴۰۰). مطالعه جامعه‌شناختی تحول الگوهای عشق‌ورزی در میان ساکنان متأهل شهر اردبیل. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱(پیاپی ۳۷)، ۱۵-۱. **doi: 10.22059/jjsr.2021.309149.1115**
- 19- کامکار، مژگان و جباریان، شهرزاد(۱۳۸۵). بررسی تأثیر صمیمیت در اختلافات زناشویی. چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران، ۲(۱)، ۳۲۵-۳۱۱.
- 20- مصطفائی، فاطمه و پیوسته گر، مهرانگیز(۱۴۰۲). پیش‌بینی سبک عشق‌ورزی بر اساس سبک دل‌بستگی دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی رودهن. *مجله روانشناسی و روان‌پزشکی شناخت*، ۳(۲)، ۲۰-۱۱.
- ۲۱- مقیمی، سیدمحمد و رمضان، مجید(۱۳۹۰). مبانی سازمان و مدیریت. تهران: راهدان.
- ۲۲- ولی بیگی، منصور و پیوسته، مسعود(۱۳۸۷). بررسی میزان و نوع عشق با رضایت از زندگی و سلامت روان در دانشجویان زن متأهل دانشگاه الزهرا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- ۲۳- یوسفی، ناصر؛ بشلیده، کیومرث؛ عیسی نژاد، امید؛ اعتمادی، عذرا و شیربیگی، ناصر(۱۳۹۰). رابطه سبک‌های عشق‌ورزی و کیفیت زناشویی در میان افراد متأهل. *دو فصلنامه مشاوره کاربردی*، ۱(۱)، ۳۶-۲۱. **doi: 10.22055/jac.2011.10263**
- 24- Adare, A.A., Zhang, Y., Hu, Y., & Wang, Z. (2021). Relationship between parental marital conflict and social anxiety symptoms of Chinese college students: mediation effect of attachment. *Frontiers in Psychology*, 12(2), 640-770. <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/34552521/>. **doi:10.3389/fpsyg.2021.640770**.
- 25- Alizadeh, A. (2023). A study of marital satisfaction and adjustment to marriage in employed and unemployed women in Malekshahi County in 2013. *The Seventh National Conference on Modern Research in Counseling, Educational Sciences and Psychology*, Iran, Tehran, 7(1), 10-19.
- 26- Andrews, G., Singh, M., & Bond, M. (2019). The defense style questionnaire. *J Nerv Ment Dis*, 181(4), 246-256.
- 27- Andrews, R. (2019) Churn Prediction in Telecom Sector Using Machine Learning. *International Journal of Information Systems and Computer Sciences*, 8, 132-134.
- 28- Asfaw, L.S., & Alene, G.D. (2023). Effectiveness of a marital relationship skills training intervention on marital adjustment among individuals in Hosanna Town, Southwest Ethiopia: a randomized-controlled trial. *J Marital Fam Ther*, 49(3), 541-60. **doi:10.1111/jmft.12641**.
- 29- Bartholomew, K., & Horowitz, L. M. (1991). Attachment styles among young adults: A test of a four-category model. *Journal of Personality and Social Psychology*, 61(2), 226-244.
- 30- Besharat Garamaleki, R., PanahAli, A., & Hosseini Nasab, D. (2022). Comparison of the effectiveness of group reality-based couple therapy and forgiveness therapy on marital adjustment, emotional differentiation and intimacy of couples with emotional divorce. *Journal of Counseling Research*, 20(80), 129-57. **doi:10.18502/qjcr.v20i80.8490**.
- 31- Bolvardi, A., Damavandian, A., & Talebi, M. (2023). The Relation between Personality Traits and Marital Satisfaction in Couples Who Refer to Tehran's Family Judicial Complexes. *Iran JHealth Educ Health Promot*, 5(2), 1249-1255.
- 32- Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss: Vol. 1. Loss*. New York: Basic Books.
- 33- Burnat, B. (2019). Love Is a Physiological Motivation (Like Hunger, Thirst, Sleep or Sex). *Journal of Medical Hypotheses*, 129(1), 1-14. **doi:10.1016/j.mehy.2019.05.011**.
- 34- Chawla, N., & Saxena, M. A. K. (2019). Introduction of Technology in School Education. *Journal of the Gujarat Research Society*, 21(5), 338-347.
- 35- Chen, X., Yu, B., & Gong, J. (2023). Social Capital Associated with Quality of Life Mediated by Employment Experiences: Evidence from a Random Sample of Rural-to-Urban Migrants in China. *Soc Indic Res*, 50(3), 381-395. **doi:10.1007/s11205-017-1617-1**
- 36- Cherry, M. G., Fletcher, O., & O'sullivan, H. (2023). Exploring the relationships among attachment, emotional intelligence and communication. *Medical Education*, 47 (3), 317 -325. **doi:10.1111/medu.12115**
- 37- Collins, N. L., & Feeney, B. C. (2020). Working Models of Attachment Shape Perceptions of Social Support: Evidence from Experimental and Observational Studies. *Journal of Personality and Social Psychology*, 87(3), 363-383. **doi:10.1037/0022-3514.87.3.363**
- 38- Collins, N. L., & Read, S. J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58(4), 644-663. **doi:10.1037/0022-3514.58.4.644**.
- 39- Costanza, R. (2007), Quality of Life: An Approach Integration Opportunities, Human Needs and Subjective Well-Being. *Ecological Economics*, 61(4), 267-276.
- 40- Cramer, C. M. (2019). *Relational Aggression/ Victimization and Depression in Married Couples*. Brigham Young University.

- 41- Crowley, A.K (2023). *The relationship of adult attachment styles and interactive conflict styles to marital satisfaction*. Doctoral Dissertation Texas A& M university.
- 42- Esfahani, A., Heydari, H., Pirani, Z., Davoudi, H. (2023). A structural model for predicting social interest based on interpersonal relationships and marital satisfaction with the mediating role of love in women. *Applied Family Therapy Quarterly*, 4(4), 17-34.
- 43- Feeney, J. A., & Noller, P. (1995). Relationship satisfaction, attachment, and nonverbal accuracy in early marriage. *Journal of Nonverbal Behavior*, 18(3), 199–221. doi:10.1007/BF02170026.
- 44- Fernandes, A., Carneiro, P., Costa, N., & Braga, A. C. (2018). Characterization of school furniture in a basic education school. *In Occupational Safety and Hygiene VI* (pp. - 115 117). CRC Press.
- 45- Hadden, B. W., Smith, C. V., & Webster, G. D. (2014). Relationship duration moderates associations between attachment and relationship quality meta-analytic support for the temporal adult romantic attachment model. *Personality and Social Psychology Review*, 18, 42–58. doi:10.1177/1088868313501885
- 46- Harris, V. W. (2006). Context and interaction: A comparison of individuals across various income levels. *Science Context*, 17(4), 48-52.
- 47- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualised as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52(14), 511–523.
- 48- Hendric, C., & Hendric, S. S. (1986). A Theory and Method of Love. *Journal of Personality and Social Psychology*, 50(2), 392 -402.
- 49- Hendrick, S. S., & Hendrick, C. (1995). Gender differences and similarities in sex and love. *Personal Relationships*, 2(1), 55–65. doi:10.1111/j.1475-6811.1995.tb00077.x
- 50- Iacono, T., Keeffe, M., Kenny, A., & McKinstry, C. (2019). A document review of exclusionary practices in the context of Australian school education policy. *Journal of Policy and Practice in Intellectual Disabilities*, 16(4), 264-272. doi:10.1111/jppi.12290
- 51- Iftikhar, A., Bari, A., Bano, I., & Masood, Q. (2023). Impact of maternal education, employment and family size on nutritional status of children. *Pakistan journal of medical sciences*, 2(1), 205-234. CABI Record Number: 20183056768
- 52- Johnson, S. M. (2004). *The practice of emotionally focused couple therapy: Creating connection (2nd ed.)*. New York, NY: BrunnerRoutledge/Taylor & Francis.
- 53- Karimi Seidashti, S., Ghazanfari, A. (2023). Modeling marital intimacy based on attachment styles and lovemaking styles with the mediation of couples' life orientation in Isfahan. *Journal of Psychological Studies and Educational Sciences*, 5(47), 523-557.
- 54- Kimmes, J. G., & Durtschi, J. A. (2016). Forgiveness in romantic relationships: The roles of attachment, empathy, and attributions. *Journal of Marital and Family Therapy*, 42(4), 645-658. doi:10.1111/jmft.12171
- 55- Knapp, D. J., Sandberg, J. G., Novak, J., & Larson, J. H. (2015). The mediating role of attachment behaviors on the relationship between family-of-origin and couple communication: Implications for couple's therapy. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 14(1), 17-38. doi:10.1080/15332691.2014.953650
- 56- Lochner, L. (2020). *Education and Crime*. In S. Bradley, & C. Green (Eds.). *The Economics of Education* (pp. 109-117). Academic Press. <https://doi.org/10.1016/B978-0-12-815391-8.00009-4>.
- 57- Maalouf, E. (2022). Attachment styles and their association with aggression, hostility, and anger in Lebanese adolescents: a national study. *BMC psychology*, 10(1), 104-122. doi:10.1186/s40359-022-00813-9.
- 58- Mansouri, H. (2023). The relationship between attachment styles and satisfaction with married life of couples in women and men in Lamerd city. *Journal of Psychological Studies and Educational Sciences*, 5(52), 91-112.
- 59- Meyers, S. A. & Landsberger, S. A. (2002). Direct and indirect pathways between adult attachment style and marital satisfaction. *Personal Relationships*, 9(2), 159-172. doi:10.1111/1475-6811.00010
- 60- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2007). *Attachment in adulthood: structure, dynamics, and change*. New York: The Guilford Press.
- 61- Montajabian, Z., & Rezai Dehnavi, S. (2021). Study of the Effectiveness of Meta Cognitive Interpersonal Therapy on Improving Dysfunctional Communication Patterns Couples and Increase of Marital Adjustment. *Rooyesh*, 10(8), 135-148.
- 62- Mortazavizadeh, Z. (2022). Emotional competence, attachment, and parenting styles in children and parents. *Psicologia, reflexao e critica : revista semestral do Departamento de Psicologia da UFRGS*, 35(1), 6-14 Mar. 2022. doi:10.1186/s41155-022-00208-0
- 63- Neto, F. (2001). Love styles of three generations of women. *Marriage & Family Review*, 33(5), 268-282.
- 64- Patrick, S., Sells, J. N., Giordano, F. G. and Tollerud, T. R. (2007). Intimacy, differentiation, and personality variables as predictors of marital satisfaction. *The Family Journal*, 15, 359-367.
- 65- Patterson, J. M. (2002). Integrating family resilience and family stress theory. *Journal of Marriage and the Family*, 64, 349-360.

- 66- Rahiman, R.A., Ghamari, M.; Babakhani, V.; Jafari, A.R. (2023). Modeling the structural relationship between personality dimensions and attachment styles with communication skills and marital conflicts mediated by early maladaptive schemas in couples at risk of divorce. *Quarterly Journal of Applied Family Therapy*, 4(5), 251-265
- 67- Safa kermanshahi, Y., Nikooei, F., & Hayati, G. (2022). The effectiveness of dialectical behavior therapy on marital adjustment and intimacy of women with marital conflicts. *Rooyesh*, 10 (12),169-178.
- 68- Sandberg, J. G., Bradford, A. B., & Brown, A. P. (2017). Differentiating between attachment styles and behaviors and their association with marital quality. *Family Process*, 56(2), 518- 531. **doi:10.1111/famp.12186**
- 69- Shi, L. (2003). The association between adult attachment styles and conflict resolution in romantic relationships. *The American Journal of Family Therapy*, 31(3), 143-157
- 70- Simpson, D.L. (2020). Age Differences in Attachment Orientations among Younger and Older Adults: Evidence from Two Self-Report Measures of Attachment. *Int. J. Aging Hum. Dev.*, 69(12), 119–132. doi: 10.2190/AG.69.2.c.
- 71- Spanier, G.B. (1976). Measuring dyadic adjustment: new scales for assessing the quality of marriage and similar dyads. *J Marriage Fam*, 38(1), 15-22. **doi:10.2307/350547.**
- 72- Teng, YP.T. Kuo, L.TW. & Zhou, Q. (2018). Maternal Employment and Family Socioeconomic Status: Unique Relations to Maternal Stress, Parenting Beliefs, and Preschoolers' Adjustment in Taiwanese Families. *J Child Fam Stud*, 27(11), 3506-3519. **doi:10.1007/s10826-018-1173-6**
- 73- Vu, T. T. (2021). Meanings of marriage to young people in Vietnam. *Marriage & Family Review*, 54 (6), 531–548.
- 74- Zangi Darestani, F., Khoshbouhi, R. (2023). Predicting marital burnout based on sexual satisfaction, marital adjustment and couples' life satisfaction. *The First National Conference on the Ideal Family, Ardabil*, 1(1), 13-26.
- 75- Yahya, F., Yusoff, A., Talib, A. T., Singh, S. S. D., Mohad, A. H., Isa, N. A. M., & Khiri, M. J. A. (2021). Attachment Styles and Marital Quality Between Spouses. *Journal of Cognitive Sciences and Human Development*, 7(1), 57-71. **doi:10.33736/jeshd.2876.2021**

Investigating the Relationship Between Lovemaking Styles and Attachment Styles in the Marital Adjustment of Married Women Working in Education in Tehran

Mozhgan Fereydoun Nezhad ^{1*}, Setayesh EinAli²

1- PhD in Educational Psychology, Assistant Professor, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Iran. (Corresponding Author)

dr.m_fereydounnezhad@yahoo.com

2- Master of Science in General Psychology, Department of Psychology, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Iran.

setayeshainali758@gmail.com

Abstract:

The purpose of this study was to investigate the relationship between love styles and attachment styles with the marital adjustment of married women working in education in Tehran. The research method was descriptive-correlational. The statistical population of this study included all married women working in education in Tehran in 1403 (2024). Cluster and random sampling methods were used. The participants completed the Attitude toward Love (Love Styles) Questionnaire (Hendrick & Hendrick, 1986), the Attachment Questionnaire (Collins & Reid, 1990), and the Marital Adjustment Questionnaire (Spanier, 1976). To examine the relationships between the research variables, the Pearson correlation method was used, and to analyze the nature of these relationships, multivariate regression was applied using the latest version of SPSS-28 software. The results revealed a significant correlation between attachment styles and marital adjustment, as well as between love styles and marital adjustment among married women working in education in Tehran. According to the findings, there was a positive and significant relationship between the love styles of Eros, Storge, Pragma, and Agape with marital adjustment, while a negative and significant relationship was found between the love styles of Ludus and Mania with marital adjustment. According to the significance level, Eros love style (with an impact coefficient of 0.284), Ludus (with an impact coefficient of -0.14), Storge (with an impact coefficient of 0.29), Pragma (with an impact coefficient of 0.12), Mania (with an impact coefficient of -0.14), and Secure attachment style (with an impact coefficient of 0.09) were able to predict marital adjustment. However, Agape love style, as well as avoidant and anxious attachment styles, were not able to predict marital adjustment.

Keywords: Love styles, attachment styles, marital adjustment.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)